

تنها مسیر برای زندگی بهتر/ج ۳

پناهیان: امروز رفع سوء تفاهم‌های تاریخی آسان شده/ زندگی سرشار از گرفتاری، نشانهٔ ایثار و خداپرستی نیست/ می‌خواهیم با «عقل» راه زندگی بهتر را ببیابیم، نه با مباحث «دینی»/ متدینین بیش از دیگران باید به دنبال زندگی بهتر باشند/ «بهره‌مندی فراوان از دنیا» جایزهٔ دین‌داری است/ کسی که در اثر زندگی غلط دچار گرفتاری شود، حال مناجات هم پیدا نمی‌کند+صوت

شروع دینداری از «اثبات صانع»، فشار روانی‌اش بر آدم‌ها بالاست؛ بیایید از همین زندگی شروع کنیم. مردم مشغول زندگی هستند و درگیری ذهنی اکثر مردم، زندگی است؛ بیایید به طرز تفکر مردم احترام بگذاریم و از همین زندگی شروع کنیم. بگوییم شما چه می‌خواهی؟ می‌گوید: من زندگی‌ام را می‌خواهم. بعد بگوییم: «آیا می‌خواهی زندگی‌ات بهتر بشود؟ یقیناً می‌گوید: بله. بعد بگوییم: بیا فکر کنیم چگونه می‌توان زندگی را بهتر کرد؟ حالا چه با دین چه بدون دین.

حجت الاسلام علیرضا پناهیان که در رمضان گذشته با موضوع «**تنها مسیر-راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی**» سخنرانی کرد و مورد استقبال جوانان قرار گرفت، امسال قرار است به مدت ۳۰ شب در مسجد امام صادق (ع) میدان فلسطین به موضوع «**تنها مسیر برای زندگی بهتر**» پردازد و به سوال «چگونه یک زندگی بهتر داشته باشیم؟» پاسخ دهد. در ادامه فرازهایی از **سومین جلسه** این سخنرانی را می‌خوانید:

متدینین بیش از دیگران باید به دنبال زندگی بهتر باشند

- **موضوع بحث ما رابطهٔ دین و زندگی نیست، ما نمی‌خواهیم ببینیم که «چگونه هم دین‌داری کنیم و هم زندگی کنیم؟» و ما نمی‌خواهیم ابتدائاً به این پردازیم که «چگونه از طریق دین، زندگی خودمان را بهبود ببخشیم و بهتر کنیم؟» نمی‌خواهیم ابتدائاً به این بحث پردازیم که «دین نگاهش نسبت به زندگی بهتر چیست و چه راه‌حلهایی را به ما در این زمینه ارائه می‌دهد؟» بلکه موضوع بحث ما این است که «چگونه به زندگی بهتر برسیم؟» حالا چه با دین چه بدون دین، می‌خواهیم ببینیم که اساساً راه رسیدن به زندگی بهتر چیست؟**

- چرا سراغ زندگی بهتر را گرفته‌ایم؟ به دلیل اینکه انسان هستیم؛ به دلیل اینکه انسان موجودی است که نمی‌تواند زندگی خودش را بهبود نبخشد؛ انسان از یک سو، زندگی خودش را دوست دارد و این یک مسئلهٔ بسیار طبیعی است. و از سوی دیگر بعد از اینکه حداقل زندگی خودش را به دست آورد، به سراغ حداکثر زندگی می‌رود و زندگی خودش را مدام تغییر می‌دهد، مدام وضع زندگی خودش را بهتر خواهد کرد.

- دین ما به این خواستهٔ انسانی ما برای بهبود زندگی، میدان داده است. دین دربارهٔ زندگی بهتر حرف‌هایی دارد که بخشی از این حرف‌ها را در آیات قرآن و در کلمات ائمهٔ معصومین (ع) بررسی خواهیم کرد تا ببینید اساساً دینداران، و اهل مرام معنوی اهل بیت (ع) بیشتر و بهتر از غیرمتدینین باید دنبال زندگی بهتر باشند. ما دلیل قرآنی می‌آوریم برای اینکه مؤمنین باید به اینجا برسند. آدم‌های غیردیندار در واقع به دنبال یک کیفیت‌هایی در زندگی هستند که لزوماً نمی‌شود اسمش را «زندگی بهتر» گذاشت.

- قرآن کریم: اگر مردم کتاب آسمانی خود را اقامه می‌کردند، از زمین و آسمان بر آنها می‌بارید و می‌خوردند
- خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (مائده/۶۶) اگر مردمی کتاب‌هایی که از آسمان بر آنها نازل شده را اقامه می‌کردند، از آسمان و زمین برای شان می‌بارید و می‌خوردند.
 - دقت کنید که خداوند نمی‌فرماید «اگر اینها کتاب آسمانی خود را اقامه می‌کردند، خیلی نورانی می‌شدند!» یا نمی‌فرماید: «بعداً در بهشت و رضوان الهی جای خوبی به ایشان می‌دادم!» البته این موارد هم در جاهای دیگر قرآن هست، اما چون بعضی‌ها دچار سوءتفاهم هستند که وعده‌های قرآن همه‌اش برای قیامت است، در اینجا می‌خواهیم بگوییم: اگر می‌بینید در قرآن کریم از قیامت زیاد صحبت می‌شود به‌خاطر این است که مهم‌تر است و الا معنایش این نیست که دین‌داری، در دنیا هیچ فایده‌ای ندارد!

«بهره‌مندی فراوان از دنیا» جایزه دین‌داری است/دنبال بهبود زندگی بودن، یک راه خدایی است

- **از آیه فوق معلوم می‌شود دارایی - نه پُر خوری - به این حد که از آسمان و زمین برایت ببارد و ببری و داشته باشی، این جایزه دین‌داری است. کجا بشر تا حالا به یک چنین جایزه‌ای از طریق دیگری غیر از دین‌داری رسیده است؟! ما دنبال این زندگی هستیم که فرمود: «لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» یعنی از آسمان و زمین چیزهایی که بشود خورد، دریافت کنیم. البته آیات دیگر قرآن هم در این زمینه هستند، منتها این قدر در ارتباط با امور معیشتی و خوردنی صراحت ندارند. مثلاً اینکه می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف/۹۶) یعنی اگر مردم ایمان و تقوی داشته باشند، ما از آسمان‌ها و زمین باب برکات را برای آنها باز می‌کنیم.**
- **ما دنبال این هستیم که به زندگی بهتر برسیم، و در این گفتگو هم نمی‌گوییم که می‌خواهیم سراغ دین برویم؛ حتی نمی‌گوییم که «هم می‌خواهیم آخرت را داشته باشیم، هم می‌خواهیم دنیا را داشته باشیم» بحث خودمان را این طور پیش می‌بریم که اگر ما فقط زندگی بهتر در این دنیا را بخواهیم، چگونه باید زندگی کنیم؟ البته زندگی بهتر داشتن وعده الهی و مژده الهی برای مؤمنان است و فی نفسه چیز بدی نیست. اگر کسی زندگی دنیایی خودش را بهتر قرار بدهد یک راه خدایی را رفته است. منتها ما فعلاً از راه خدا هم نمی‌خواهیم برویم، بحث‌مان سر این است که چگونه می‌شود به زندگی دنیایی بهتر رسید؛ از هر راهی که بشود.**

آیا عقلاً برای زندگی بهتر، راهی جز دین وجود دارد؟

- ما وقتی می‌خواهیم به سراغ زندگی بهتر برویم، اولاً باید زندگی را تعریف کنیم و بگوییم که منظور، تعریف و تلقی ما از زندگی چیست؟ ثانیاً باید بگوییم که زندگی بهتر چیست؟ ثالثاً باید راه‌های متعدد برای رسیدن به زندگی بهتر را جستجو کنیم تا ببینیم کدام راه بهتر است؟ و در آخر بحث‌مان می‌خواهیم بگوییم که عقلاً برای زندگی بهتر هیچ راهی جز دین وجود ندارد. یعنی می‌خواهیم ببینیم که آیا به این نقطه می‌رسیم یا نه؟ ما نمی‌خواهیم بگوییم که «دین در زندگی بهتر، مؤثر است» چون این را که الان روان‌شناس‌ها هم دارند می‌گویند!
- الان خیلی از متکلمین که بحث‌های جدیدی به بازار آورده‌اند این را دارند می‌گویند. اینها می‌گویند: «اصلاً آدم باید یک کسی را پرستش کند، حتی این کسی را که می‌خواهد پرستش کند مهم نیست که وجود هم نداشته باشد! فقط کافیست یک کسی را

بپرستی؛ این باعث آرامش تو در زندگی می‌شود.» ما نمی‌خواهیم از این حرف‌ها بزنیم. حتی نمی‌خواهیم حرف برخی از مذهب‌یون را بزنیم که می‌گویند: «دین‌داری در زندگی هم مؤثر است و تأثیرات مثبتی دارد» ما نمی‌خواهیم این قدر حداقلی نگاه کنیم.

شروع دینداری از «اثبات صانع»، فشار روانی‌اش بر آدم‌ها بالاست؛ بیایید از همین زندگی شروع کنیم

- ما می‌خواهیم ببینیم که آیا واقعاً از راه رسیدن به زندگی بهتر می‌توانیم به ضرورت دین‌داری برسیم یا نه؟ ما معمولاً دین‌داری و دین‌شناسی خودمان را از اثبات صانع و خالق شروع می‌کنیم. از توحید و عدل شروع می‌کنیم و بعد هم به نبوت و امامت و معاد می‌رسیم و می‌گوییم: «حالا بیایید دین‌داری را شروع کنید!» این کار عیبی ندارد، این هم یک راه معقول و منطقی است، ولی فشار روانی‌اش برای آدم‌ها بالاست.

- این آدمی که دارد زندگی‌اش را می‌کند و به زندگی علاقه دارد، ما سر راهش، در مدرسه جلوی او را می‌گیریم و می‌گوییم: «صبر کن! صانع کیست؟ خالقت کیست؟ جهان که نمی‌تواند بی‌خالق باشد!» او هم می‌گوید: «باشد؛ قبول! حالا بگذار بروم! من دارم زندگی‌ام را می‌کنم» می‌گوییم: «نه! صبر کن! این خالق حتماً حقی به گردن تو دارد...» عیبی هم ندارد، شما دارید حرف‌های منطقی می‌زنید، هرکسی هم در مدرسه این حرف‌های منطقی شما را درک کند، می‌ایستد به شما جواب مثبت می‌دهد، حرفی نیست. منتها آن طوری که ما می‌بینیم، مردم اکثراً مشغول زندگی‌شان هستند؛ کاری ندارند به اینکه دنیا خالق و صانع دارد، مبداء و معاد دارد یا نه؟ بیاید با این مردم هم دو کلمه حرف بزنیم.

- **مردم مشغول زندگی هستند و از زندگی آغاز می‌کنند، درگیری ذهنی اکثر مردم، زندگی است؛ بیایید به طرز تفکر مردم احترام بگذاریم و از همین زندگی شروع کنیم. بگوییم شما چه می‌خواهی؟ می‌گوید: من زندگی‌ام را می‌خواهم. بعد بگوییم: «آیا می‌خواهی این زندگی‌ات بهتر بشود؟ یقیناً می‌گوید: بله. بعد بگویید: بیا بنشینیم و فکر کنیم که چگونه می‌توان این زندگی را بهتر کرد؟ در این صورت اگر از درونش، خدا هم در آمد، تسلیم آن خدا هم هستیم.**

- ما نمی‌خواهیم قیافه فیلسوفانه بگیریم. ما نمی‌خواهیم به پروردگار عالم لطف کنیم و خدا را تأیید کنیم! ما دنبال زندگی‌مان هستیم و می‌خواهیم زندگی‌مان بهتر شود، این دغدغه ماست. حالا برویم ببینیم چگونه می‌توانیم زندگی‌مان را بهتر کنیم؟ شما بروید با وجدان، زندگی‌تان را درست کنید، بعد در مسیر اصلاح و بهبود زندگی ببینید آیا به خدا می‌رسید یا نه؟ ما می‌خواهیم با همین نگاه جلو برویم، مطمئن باشید ما به خدا می‌رسیم، ما به خداپرستی می‌رسیم؛ ما به معنویت و دیانت خواهیم رسید؛ البته به شرطی که در این بررسی ملاک‌مان «عقل» باشد.

سوء تفاهم‌های بسیاری در جامعه ما و جامعه جهانی پدید آمده که باید برطرف کنیم / رفع سوء تفاهم برای هر یک نفر، کمک به حضرت است

- حالا چرا ما داریم این بحث را مطرح می‌کنیم؟ همان طور که جلسه قبل گفتیم، یکی از اهداف ما در این بحث «رفع سوء تفاهم» است. شما می‌دانید که آخرالزمان دوران بزرگ‌ترین امتحان‌ها و ابتلائات الهی است. در آخرالزمان وقتی غربال صورت می‌گیرد، خیلی از آدم‌ها می‌آیند خوب می‌شوند، کما اینکه خیلی از آدم‌ها هم خراب می‌شوند (البته منظورمان از «خیلی از آدم خوب‌ها» اکثر آدم خوب‌ها نیست) معلوم می‌شود تا حالا دکان باز کرده بودند و دین‌دار درست حسابی نبوده‌اند.

- سوء تفاهم‌های بسیاری در جامعه ما و در جامعه جهانی پدید آمده است و ما در جهت رفع این سوء تفاهم‌ها داریم این بحث را انجام می‌دهیم. یکی از کارهایی که ما به عنوان منتظر، باید انجام دهیم این است که رفع سوء تفاهم کنیم. این بندگان خدا که در روی کره زمین دارند زندگی می‌کنند همه، جزء اهداف حضرت هستند و حضرت برای این‌ها ظهور خواهد کرد. شما هر نفری که سوء تفاهم او را برطرف کنی، به حضرت کمک کرده‌ای؛ هر یک نفری که برای پذیرش پیام حضرت آماده کنی، به حضرت خدمت کرده‌ای.

یکی از اقدامات ما در آخرین مراحل انتظار، رفع سوء تفاهم‌های تاریخی است/ امروز رفع سوء تفاهم‌ها خیلی آسان تر شده

- یکی از اقدامات ما در آخرین مراحل انتظار رفع سوء تفاهم تاریخی است که ابلیس از روز اول سعی کرده ایجاد کند، و موفق هم بوده است؛ و تا الان هم موفق بوده است، ولی دیگر زمینه‌های بسیار خوبی پدید آمده برای اینکه این سوء تفاهم‌ها برطرف بشود.
- الحمدلله ما در لحظه‌ها و در جهانی زندگی می‌کنیم که سوء تفاهم‌ها را می‌توانیم برطرف کنیم. مثلاً الان اگر کسی بخواهد زیاد غریزه باشد، شما می‌توانید به او بگویید: «منظور شما زندگی مردم فرانسه است؛ زندگی با این سیاستمداران وحشی؟ یا منظورتان انگلستان یا آمریکا است؟ برو زندگی مردم‌شان را نگاه کن! آیا واقعاً همه آن زندگی، مطلوب و مورد نظر شماست؟» امروز دیگر غریزه‌ها به آن صورت افراطی‌اش نمی‌تواند شکل داشته باشد.
- الان خیلی حرف‌ها را می‌شود مطرح کرد؛ حرف‌هایی علیه همه فریب‌هایی که اجازه نداده بشر درباره زندگی بهتر درست فکر کند. ما الان برای رفع سوء تفاهم خیلی کارمان آسان تر است. بعد یک دلالی هم داریم از مؤمنینی که از دین استفاده کرده‌اند و زندگی خودشان را بهتر کرده‌اند، این دلائل را الان می‌توانیم بهتر بیان کنیم؛ این‌ها جزء امکانات ویژه ما هستند.

هرکس در اثر سوء تفاهم غیرمذهبی است، باید بیاید این طرف؛ این وظیفه تاریخی ماست

- **باید همه افراد غیرمذهبی که در اثر سوء تفاهم، غیرمذهبی و غیرمتدین هستند بیایند این طرف؛ این وظیفه تاریخی ماست. و بین مذهبی‌ها هم هرکسی که دکان باز کرده، و دارد به صورت قلبی دین داری می‌کند، باید برود آن طرف؛ ما باید به این غربال کمک کنیم و این شاءالله خودمان جزء این مذهبی‌ها نباشیم.** البته من نمی‌خواهم علیه مذهبی‌ها و متدینین حرف بزنم، ولی شما به همین جریان داعش در منطقه نگاه کنید؛ اینها دارند به نام دین، با هر نوع مظاهر تمدن و هر نوع عقلانیتی مخالفت می‌کنند. البته معلوم است غربی‌ها که خودشان داعشی‌ها را درست کرده‌اند، دنبال این هستند که توسط اینها چهره اسلام را زشت نشان دهند.

اگر یک مذهبی «زندگی درست» نداشته باشد، در ادعایش صادق نیست

- من و شما هم اگر واقعاً ادعای مان می‌شود که مذهبی هستیم، باید زندگی درستی داشته باشیم و الا ادعای ما درست و صادقانه نیست. مطمئناً در بین مذهبی‌ها، برخی هستند که با طرح بحث «زندگی درست» مخالفت می‌کنند؛ چون شما با این بحث می‌توانید میج او را بگیرید و بگویید: «تو واقعاً مذهبی نیستی چون این ویژگی‌های زندگی درست را نداری!» بعد از اینکه ویژگی‌ها و جزئیات زندگی خوب را گفتیم، شما می‌توانید میج برخی افراد مذهبی و نمازخوان را که زندگی درست و خوبی ندارند را بگیرید.

کسی که در اثر زندگی غلط دچار گرفتاری شود، حال مناجات هم پیدا نمی‌کند/ چرا در تهران ما این قدر مجالس دعا کم است؟

• شاید بحث ما در ظاهر، با احساس خوش معنوی و حال زیبا و لطیف عرفانی مورد انتظار در ماه رمضان، تناسب نداشته باشد؛ ولی از چند جهت می‌گوییم که اتفاقاً خیلی هم تناسب دارد! آن آدم‌هایی که درست زندگی می‌کنند و دغدغه‌های نابجا ندارند و دچار «مَعِيشَةٌ ضَنْكًا» نیستند، بیشتر فرصت مناجات پیدا می‌کنند. و آن کسانی که در اثر زندگی غلط، دغدغه‌های بی‌خود و اضافی برای‌شان ایجاد شده، حال مناجات و فرصت مناجات ندارند. در روایت هست که خداوند می‌فرماید: اگر از یک بنده‌ای بدم بیاید، این قدر در زندگی گرفتارش می‌کنم که هر موقع به او گفتند «بیا برویم در خانه خدا» می‌گوید دوست دارم بیایم اما وقتش را ندارم؛ گرفتارم، نمی‌توانم!

• چرا در تهران ما این قدر مجالس دعا کم است؟ چون مردم گرفتار هستند. اما این گرفتاری برای چه پیش آمده؟ برای بی‌دینی! کسی که خوب و درست زندگی کند، خدا طوری گرفتارش نمی‌کند که فرصت عبادت پیدا نکند. البته شاید برخی هم باشند که در خانه خودشان عبادت می‌کند، ولی به هر حال مجالس و محافل دعا هم جای خود را دارند. چرا معنویت بالاتر نمی‌رود؟ برای اینکه ما درگیر زندگی هستیم؛ اما باید دید که چرا زندگی ما را زیادی درگیر کرده؟! نکند دچار «مَعِيشَةٌ ضَنْكًا» شده‌ایم!

می‌خواهیم با «عقل» راه زندگی بهتر را ببیابیم، نه با مباحث «دینی»/ همان عقلی که بناست دنیای ما را تأمین کند، بناست آخرت ما را هم تأمین کند

• موضوع بحث ما این است که آیا راهی برای زندگی بهتر وجود دارد؟ اصل اینکه باید به زندگی بهتر برسیم یک امر محرز است ولی آیا راهی وجود دارد؟ بله، ما می‌خواهیم به سراغ این راه برویم ولی با کمک عقل. نمی‌خواهیم زیاد دینی سخن بگوییم تا اگر یک کسی هم بود که دین را نپذیرفته بود، برایش قابل استفاده باشد. لذا ملاک ما برای اینکه ببینیم برای زندگی بهتر به چه چیزهایی نیاز داریم یک گفتگوی عاقلانه است.

• در ابتدا چند روایت در تکریم عقل و در لازم و ملزوم بودن «عقل» و «دیانت» و از آن طرف «زندگی خوب» برای شما بخوانم تا ببینید که دین ما چقدر به «عقل» وابسته است. همان عقلی که بناست دنیای ما را تأمین کند، همان عقل بناست آخرت ما را هم تأمین کند.

• پیامبر گرامی اسلام(ص) در حدیث شریفی می‌فرماید: «تمام خوبی‌ها به واسطه عقل قابل درک هستند؛ إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلُّهُ بِالْعَقْلِ» (تحف العقول/ ۵۴) و بعد می‌فرماید: «کسی که عقل نداشته باشد دین هم نخواهد داشت؛ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ» یعنی باید عقل ما کار کند تا به همه خوبی‌ها و خیرات برسیم؛ من جمله دین. و بعد هم نقش دین را در بین همه خوبی‌ها درک کنیم.

«ارزش‌ها» فرهنگ زبانی غلطی بود که برخی درست کردند/ امیرالمؤمنین(ع): «ملاک دین عقل است»

• برخی آمدند و به غلط، یک فرهنگ زبانی‌ای درست کردند و درباره متدینین گفتند: «اینها ارزشی حرف می‌زنند» و بعد هم درباره غیرمتدینین گفتند: «اینها عقلانی حرف می‌زنند» یعنی متدینین دنبال مقدسات هستند و غیر متدینین دنبال معقولات هستند. یک چنین تفکیکی ایجاد کردند و برخی از ما متدینین هم از کلمه ارزش‌ها و قداست خوش‌مان آمد و گفتیم که «بله، ما داریم از ارزش‌ها دفاع می‌کنیم!» ولی آنها

منظورشان این بود که بگویند: این ها ارزشی می اندیشند؛ نه عقلانی! یعنی می خواهند کار دینداران را غیرعقلانی نشان دهند. در حالی که مشکل ما با آنها بر سر همین عقل است که خداوند می فرماید: «أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (مائده/۱۰۳) اگر آنها عقل داشتند، دین شان هم درست می شد.

- در روایت دیگری امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «ملاک دین عقل است؛ ملاکُ الدِّینِ الْعَقْلُ» (غررالحکم/۷۰۲) یا در روایت دیگری پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: «هیچ عقلی مانند دین نیست؛ لَا عَقْلَ كَالدِّینِ» (ارشاد القلوب دیلمی/۱/۷۴). یعنی از آن طرف هم می توان نگاه کرد و گفت که دین بهترین عقل را به انسان هدیه می دهد.
- امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «دین و ادب نتیجه عقل است؛ الدِّینُ وَالْأَدَبُ نَتِیجَةُ الْعَقْلِ» (غررالحکم/۱۶۹۳) مثلاً کسی که عقل داشته باشد، خود به خود می رسد به اینکه باید مؤدبانه زندگی بکند. لذا من هر جا یک آدم مؤدب می بینم، می گویم: این چقدر به درد دین می خورد؛ لابد عقلش به او گفته مؤدب باش، و همین عقل برای دین داری کافیست.
- باز امیرالمؤمنین (ع) در جای دیگر می فرماید: «إِنَّمَا الْعَقْلُ التَّجَنُّبُ مِنَ الْإِثْمِ وَالنَّظَرُ فِي الْعَوَاقِبِ وَالْأَخْذُ بِالْحَزْمِ»؛ (غررالحکم/۳۸۸۷) عقل همان چیزی است که انسان را از کار بد باز می دارد، عقل همان چیزی است که به آدم می گوید عاقبت و انتهای کار را هم نگاه کن و عقل همان چیزی است که انسان را محتاط می کند و یک احتیاطهای به جایی به انسان می دهد.

ماجرای عابد بنی اسرائیل / خواب عاقل بهتر از عبادت بی عقل است

- یکی از پیامبران الهی داشت از جایی عبور می کرد. یک عابدی را دید که خیلی عبادت قشنگی انجام می داد. آن پیغمبر، خیلی دلش رفت که چه بنده عابد خوبی است! خداوند متعال فرمود نه عبادت های ایشان پیش من ارزش ندارد. پرسید چرا؟ خدا فرمود: چون او عقل درست حسابی ندارد. آن پیامبر برای اینکه میزان عقل آن عابد را بفهمد، رفت با آن عابد نشست و برخاست کرد و پرسید چه خبر؟ او گفت: «این علف های بیابان را نگاه کن! واقعاً غصه می خورم که در تابستان سرسبز می شود و من می گویم خدایا گوسفندهایت را بفرست بیابان را بخورند، ولی خدا نمی فرستد و این ها در پاییز خشک می شود!» خدا فرمود ببین! او عقلش همین قدر می رسد؛ یعنی تمام دردش خشک شدن چندتا علف در بیابان است و جایگاهش در آخرت به همین میزان است (كَانَ يَرَى مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَطُولُ سُجُودَهُ وَيَطُولُ سُكُوتَهُ... مَا الَّذِي أَكْبَرْتَ مِنْ مَقَالَةِ عَبْدِي أَنَا أَوْ أَخِذْ عِبَادِي عَلَى قَدْرِ مَا أُعْطِيَتْهُمْ مِنَ الْعَقْلِ؛ محاسن/۱/۱۹۳) و (امام صادق (ع): إِنَّ الثَّوَابَ عَلَى قَدْرِ الْعَقْلِ إِنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ... فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْمَلِكِ إِنَّمَا أُثِيبُهُ عَلَى قَدْرِ عَقْلِهِ؛ کافی/۱/۱۲)
- پیامبر اکرم (ص) می فرماید: آدم عاقل عبادت نکند و بخوابد، ثوابش بیشتر است و بهتر است از اینکه یک آدم بی عقلی تا صبح نماز بخواند! (فَنَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهْرِ الْجَاهِلِ؛ محاسن/۱/۱۹۳) ببینید خدا با این عقل چه نسبتی برقرار می کند، و چرا این قدر به عقل احترام می گذارد؟

قرآن عقل انسان را پرورش می دهد / می خواهیم با یک ملاک عقلانی به سراغ زندگی بهتر برویم

- باید عقلتان را پرورش دهید. یکی از کارهایی که قرآن می کند این است که عقل انسان را پرورش می دهد؛ ماه مبارک رمضان، بهار قرآن است و خیلی سفارش شده قرآن زیاد بخوانید و این فرصت خوبی است برای اینکه عقل افزایش پیدا کند. ثمره روزه هم افزایش عقل و حکمت است، اصلاً میراث روزه حکمت است؛ حکمت یکی از لوازم یک عقل خوب و کامل است.

• مراقب باش که یک وقت با یک موسیقی عرفانی نخواهی ماه رمضان خود را پشت سر بگذاری و بگویی «من با این نوای خوش عرفانی، ماه رمضان باحالی داشتم!» شما باید با پرورش عقل خودت ماه رمضان نورانی و باحالی داشته باشی. البته این منافات ندارد با اینکه نوای خوش عرفانی هم در زندگی‌ات باشد ولی بدان که اصل ماجرا کجاست؟

• **ما می‌خواهیم با یک ملاک عقلانی به سراغ زندگی بهتر برویم و مطمئن باشید که در طول مسیر به ضرورت دین‌داری هم خواهیم رسید. فعلاً نمی‌خواهیم درباره آخرت و قیامت و معاد صحبت کنیم؛ فعلاً می‌خواهیم ببینیم که زندگی اگر بخواهد درست شود، چگونه درست می‌شود؟ تا کسی تصور نکند که ما داریم بندگی را به زور به این زندگی تحمیل می‌کنیم! کسی بخواهد زندگی خودش را اصلاح کند باید عقلاً ببیند که واقعاً ضرورت دارد که به سراغ بندگی برود.**

امیرالمؤمنین(ع): اگر مردم از من تبعیت می‌کردند، از آسمان و زمین نعمت برای‌شان می‌ریخت

• وعده داده بودیم که درباره زندگی بهتر احادیثی بخوانیم. امیرالمؤمنین علی(ع) درباره آیه «لَاكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ؛ مائده/۶۶» می‌فرماید: اگر از همان اولی که خدا پیامبر گرامی اسلام(ص) را از میان مردم برد، امت پیامبر از من تبعیت و اطاعت می‌کردند زندگی‌شان طوری می‌شد که از آسمان و زمین همین‌طور نعمت برای‌شان می‌ریخت. و این مردم، سعه در عیش و یک زندگی خوش و خرم پیدا می‌کردند؛ تا روز قیامت، نه اینکه موقتاً؛ و لَوْ أَنَّ الْأُمَّةَ مُنْذُ قَبْضِ اللَّهِ نَبِيَّهُ اتَّبَعُونِي وَأَطَاعُونِي لَأَكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ رَغَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (کتاب سلیم بن قیس/۶۵۸/۲)

• حالا یکی از دلایل سینه‌زنی همه سینه‌زن‌ها را ببینید! ببینید که بشریت از چه چیزی محروم شده است؟ این کلام امیرالمؤمنین(ع) یک نگاه کلان به این موضوع بود. نگاه خردتر و جزئی‌تری هم در این روایت هست که امام صادق(ع) با ذکر همین آیه می‌فرماید: اگر شیعیان ما استقامت و وزند، مقاومت و پایداری کنند، ملائکه با آنها مصافحه می‌کردند، زندگی‌شان نورانی می‌شد، زندگی‌شان خوش و خرم می‌شد، از آسمان و زمین برکات برایشان نازل می‌شد و کارشان به جایی می‌رسید که هر چیزی می‌خواستند خدا به آنها می‌داد؛ يَا ابْنَ جُنْدَبٍ لَوْ أَنَّ شِيعَتَنَا اسْتَقَامُوا لَصَافَحَتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ وَ لَأَظْلَمَهُمُ الْعَمَامُ وَ لَأَشْرَفُوا نَهَارًا وَ لَأَكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَ لَمَّا سَأَلُوا اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُمْ» (تحف العقول/۳۰۲)

• اما راه رسیدن به این زندگی خوبی که امام صادق(ع) در روایت فوق می‌فرماید، چه بوده که ما نرفتیم؟ ما که دعای ندبه می‌خوانیم، پس از ظهور زیر سایه حضرت خواهیم زندگی کنیم، آیا زندگی جز این است؟ آیا ما انقلاب نکرده‌ایم که به این جا برسیم؟ ما جمهوری اسلامی راه انداختیم که فقط نماز بخوانیم؟ ضمن اینکه نماز هم درست نخوانده‌ایم؛ چون زندگی‌مان درست نیست. کما اینکه وقتی به بعضی‌ها می‌گویند که چرا نماز نمی‌خوانی؟ می‌گویند: گرفتار هستیم.

ما باید پای زندگی درست بایستیم/کسانی که ماه رمضان به عبادت می‌پردازند کمی هم به زندگی بپردازند

• ما باید پای زندگی درست، بایستیم و بجنگیم. و الا اگر خواهیم تنهایی به خدا برسیم و با عالم کاری نداشته باشیم، می‌رویم یک گوشه عبادت‌مان را می‌کنیم و با دیگران هم کاری نداریم!

- کسانی که ماه رمضان به عبادت می پردازند یک مقدار هم به زندگی پردازند! یک کمی هم به فکر زندگی باشند! یک مقدار برای بدست آوردن زندگی خوبی که خدا برای مؤمنین ارزانی کرده، بجنگند. البته فرعون ها مانع هستند، رذل ها و پست فطرت ها در عالم مانع هستند که باید آن ها را بینی شان را به خاک مالید، فقط باید نابودشان کرد!

دین مدعی زندگی بهتر است / زندگی سرشار از گرفتاری، نشانه ایثار، زهد و خداپرستی نیست

- ما مدعی زندگی هستیم؛ آن وقت در مقابل ما، کسانی می آیند و از زندگی حرف می زنند! معلوم می شود که ما تا حالا درست حرف نمی زدیم و برای بعضی ها سوء تفاهم شده است. ما باید به این زندگی ای که در قرآن فرمود برسیم: «لَا كَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ»؛ ما باید این زندگی را داشته باشیم. خدا این را از ما می خواهد که ما باید زندگی خودمان را به این جا برسانیم.

دینداری بدون رسیدگی به زندگی خود فریبی است

- اینکه یک زندگی سرشار از گرفتاری داشته باشیم، نشانه ایثار و زهد و فداکاری و خداپرستی و اخلاص نیست. باید دید چه چیزی و چه کسانی مانع یک زندگی خوب و درست برای ما هستند؟ این زندگی مال ماست؛ ما باید به این زندگی برسیم. ما اگر داریم دین داری می کنیم ولی به این زندگی نمی رسیم داریم خودمان را فریب می دهیم؛ این دین داری نیست.

